

۱۳۸۹

۱۳۸۹

۱۳۸۹

۱۳۸۹

www.ketab.ir





خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۲

تلفن: ۸۸۸۲۸۹۰۳ - ۸۸۸۴۳۲۹۴ - ۸۸۴۴۱۷۸

www.nazarpub.com

info@nazarpub.com

خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۲ / تلفن: ۸۸۸۴۳۲۹۴ - ۸۸۸۲۸۹۰۳

www.nazarpub.com / info@nazarpub.com

هنر هند معاصر

بالراج کانا - هنر هند

مترجم: مریم برهان پناه

ویراستار: مریم مهرگان / طراح جلد: سیامک فیلی زاده / صفحه آرا: گلریز گرگانی / پیش از چاپ:

سعید کاوندی / مدیر تولید: مهدی ابراهیم / چاپ نخست: ۱۳۹۵ / تیراژ: ۱۲۰۰ / امور آماده سازی

و انتشار: چاپ و نشر نظر / شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۲-۱۹۷-۳

© هر نوع تکثیر، انتشار یا استفاده نامسمومی، به خصوص از اثر به شکل فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در

سیستم های بازیابی و پخش، ممنوع و جرم پذیر است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	نوزایی فرهنگی بنگال
۱۹	پیدایش هنر مدرن در هند
۳۱	تاگور و شیرگل
۳۷	سال ۱۹۴۷، یک نقطه عطف
۵۳	جهت‌گیری تازه
۶۷	فردگرایی
۹۳	افق‌های تازه
۱۱۱	واقع‌گرایی جادویی
۱۴۳	هند نوپا و بدیده‌ای تازه
۱۵۱	آینده‌ی هنر معاصر هند
۱۵۳	زندگی‌نامه‌ی هنرمندان

مقدمه

هنر هند مدرن یکی از پویاترین هنرها در جهان است. به خصوص در دهه‌های گذشته کشور هند شکوفایی هنر را به مانی تجربه کرده است که از دوران باشکوه مغول‌ها در سده‌های شانزدهم و هفدهم دیده شده است. استعدادهای فراوان همراه با گالری‌های هنری متعدد در شهرهای بزرگ به سرعت به افزایش هستند. جالب‌تر آن که هندی‌ها برای نخستین بار آثار هنری مدرن هند را پیگیر به خانداری می‌کنند. از این گذشته اگرچه هنر معاصر هند در بسیاری از ویژگی‌ها با هنر غربی اشتراک دارد اما بسیاری تشویش‌ها که هنر غربی در تلاش برای یافتن اصالت در دوران پست‌مدرن با آن مواجه شده، رهاست. هنر هندی امروز بسیار غیرمادی می‌نماید زیرا با حال و هوایی بومی، ریشه در روان هنر دارد.

دور از هیاهوی تبلیغاتی که در هنر غربی مشاهده می‌شود، انقلابی هنری به آرامی در هند در حال وقوع است. نه جنبش‌های پی‌در پی و نه هیچ‌گونه «اسم» یا مکتب هنری در هند پدید نیامده است. این امر چندان شگفت نیست؛ چراکه «موسسات» هنر باشکوه خود را از زمان تمدن دره‌ی سند در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد آغاز کرده‌اند. با این حال، از آنجا که جامعه‌ی هند برای خود اثر اهمیت بیشتری نسبت به خالق اثر قائل بوده است، نام‌های «مندان بزرگ گذشته» ناشناخته باقی مانده است. هنر سنتی را مردم برای اهدافی مانند مراسم آیینی، تفکر و تعمق یا لذت برای عموم در یک بستر سیال اجتماعی می‌ساختند که آن خسته‌ای سازندگان با توقعات مخاطبان یکی می‌شد. جدا از ناآرامی‌ها، آشفتگی‌ها و تهاجم‌های پی‌در پی، هنر هند در سطوح متفاوتی از معابد مقدس و دربارهای مهاراجه‌ها و نواب‌ها گرفته تا گروه‌های روستایی، قبیله‌ای و محفل‌های سری آیینی رشد کرد. سده‌ها در پی یکدیگر جستجوی بی‌پایان برای بیان و نمایش پیوسته‌ی هنری مردمی پر تلاش مانند رودخانه‌ای قوی که به آهستگی پیش می‌رود، ادامه پیدا کرده است.

عظمت هنر هند برای همیشه در مجسمه‌های سنگی دوره‌های اولیه مانند موری (۳۲۳ تا

۱۸۵ ق.م)، کوشان پایان سده‌ی یکم تا سوم پس از میلاد و گوپتا (۵۵۰-۳۲۰ ب.م) جاودانه شده است. و آنها در شمار پویاترین و باشکوه‌ترین آثاری بودند که یک تمدن خلق کرده است. این دستاوردها با پیشرفت‌هایی در زمینه‌های دیگر فرهنگی همراه شدند که به وفور در آثار بزرگان ادبی همچون شاعر و نمایشنامه‌نویس برجسته‌ی سده‌ی چهارم بعد از میلاد، کالیداسا، دیده می‌شود. نقاشی به خاطر ماهیت ذاتی‌اش از گزند زمانه جان سالم به در نبرد، به جز نقاشی‌های دیواری شگفت‌انگیز غارهای آجاتا که راهبان بودایی بین سده‌ی اول پیش از میلاد و سده‌ی پنجم پس از میلاد نقاشی کرده بودند.

نقاشی هندی به هر حال با ورود به دوره‌ی مغول‌ها در سده‌ی شانزدهم شکوفایی فوری‌ای پیدا کرد. نوادگان تیمور لنگ و چنگیز خان که از آسیای مرکزی آمده بودند با خودشان هنرمندان ایرانی و ظرافت‌های پیچیده‌ای را به همراه آوردند که برترین‌های دوران خود بودند. تحت حمایت آزاداندیشانه‌ی امپراتوران مغول در هند، پیوند جالب توجهی بین سلیقه‌های وارداتی آنها و دراک بومی هندی صورت گرفت که به دربارهای سلطنتی دیگر نیز گسترش پیدا کرد و به خلق نقاشی‌های مغولی و راجپوتی منجر شد. این آثار به عنوان زیباترین تصاویری که تا کنون خلق شده‌اند، بر سر گرفته می‌شوند. سازندگان آنها شعله‌ی خلاقیت را در هند تا هنگامیکه از پشتیبانی برخوردار بودند روشن نگاه داشتند.

متأسفانه پس از آن یک وقفه‌ی طولانی به لحاظ سده در هنر هند رخ داد که با شروع اشغال هند از سوی بریتانیایی‌ها در سده‌ی هجدهم ایجاد شده و دو سده به طول انجامید. آنها مانند مغول‌ها سلیقه‌های جدیدی با خود آوردند اما حاکمان جدید برخلاف آنها نه علاقه‌ای به هیچ نوع آمیزش فرهنگی داشتند و نه می‌توانستند نبوغ هنرمندان را درک کنند. آنها هنر مردم هند را بد یا توهین آمیز دانستند. بریتانیایی‌ها نتوانستند استعداد بومی را در مسیر تازه‌ای هدایت کنند یا به آن حمایت سنتی‌ای را بدهند که هنر برای بقا به آن احتیاج داشت.

اشغال خونین و طولانی‌مدت هند از سوی بریتانیایی‌ها، مستلزم مهارت‌های سیاسی بوده است. تاکتیک موفق «تفرقه بینداز و حکومت کن» آنها باعث شده بود نه تنها درگیر مداوم بین حکام هندی، بلکه بین خود بریتانیایی‌ها نیز صورت بگیرد که منجر به تغییرات سیاسی و اجتماعی همراه با پیامدهای مصیبت‌بار بر هنر کشور هند شود. با این وجود، به طرز عجیبی به سه دلیل هنر مدرن هند به این دوره‌ی استعماری بریتانیایی‌ها بسیار مدیون است.

نخست آنکه کلید بازگشت به اصل و اصالت هندی به نوزایی فرهنگی بزرگ بنگال در نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم برمی‌گردد که نتیجه‌ی تناقض آمیز ثباتی بود که بریتانیایی‌ها فراهم کرده بودند. دوم آنکه این دوره شاهد تغییراتی اگرچه آهسته و آرام بوده است اما پیامدهای

درازمدت و گسترده‌ای داشته که حتی تا امروز در هند احساس می‌شود. اصلی‌ترین آنها تماس سرنوشت‌ساز هند با غرب است که نتیجه‌ی مستقیم معرفی سیستم آموزشی بریتانیایی‌ها به هندی‌ها بود. دلایل بریتانیایی‌ها برای این آموزش بسیار عملگرایانه بود. آنها به یک طبقه‌ی اجتماعی از افراد تحصیل کرده همسو با تفکر انگلیسی احتیاج داشتند که با آنها به آسانی ارتباط برقرار کنند و دستگاه دیوان‌سالاری امپراتوری پهناور آنها را اداره کنند. بریتانیایی‌ها انتظار نداشتند این طبقه‌ی متوسط چنان با اشتیاق عمل کنند یا اینکه جامعه‌ی هند تحت تأثیر سیستم آموزشی انگلیسی‌ها قرار گیرد. این امر درها را بر روی عقاید جدید، علم، فناوری و دموکراسی که اروپا را شکل داده بود، باز کرد و هندیان را آماده‌ی جست‌وجو برای دستیابی به هویت مستقل نشان کرد.

آخرین دلیل که به اندازه‌ی بقیه مهم است، دستیابی دوباره‌ی هند به غرور از دست رفته، اعتماد به نفس و احترام به خود بود. این امر نیز ناخودآگاه به دست بریتانیایی‌ها ممکن شده بود. برای دهه‌ها دانشمندان انگلیسی، با مطالعه‌ی علمی و نظام‌مند مشغول استخراج گذشته‌ی هند از متون قدیمی سانسکریت، زبان‌های متعرض شده، بناهای از یاد رفته و مکان‌های باستانی بودند. نتیجه‌ی این مطالعات شگفت‌انگیز حیرت‌آوری بود که غنای مبهوت‌کننده‌ی معماری باستانی و میراث ادبی و هنری هند را آشکار می‌کرد. انگیزه‌ی تلاش‌های سختکوشانه‌ی این دانشمندان بیشتر شخصی بود؛ آنها علاقه به دست یافتن به اکتشاف‌های نادر، می‌توانستند به افتخارهای آکادمیک و شهرت برسند و در سرعده خود پیشرفت کنند. اما این افتخارها برای هندیان نتیجه‌هایی داشت که دانشمندان نه انتظار آن را داشتند و نه در پی آن بودند: نوزایی فرهنگی مهم بنگال که نخستین گام در مسیر طولانی هند به سوی آزادی بود.